باور به عوالم غیب و کارکردهای آن در زندگی

خلیل منصوری

از نظر قرآن، انسان‌های مؤمن کسانی هستند که به فراسوی عالم ماده و حس، ایمان دارند و دیگر عوالم هستی را باور می‌کنند و بر اساس آن زندگی خویش را سامان می‌بخشند و روابط را درهستی افزون بر روابط درون مادی و دنیوی، به روابط برون مادی با دیگر عوالم نیز تعریف می‌کنند. بنابراین، همان گونه که از نقش گازها، حرکت گسل‌های زمین و فشارهای درون زمینی برای ایجاد زمین لرزه سخن می‌گویند به همان اندازه از نقش گناهانی چون شیوع زنا برای ایجاد زمین لرزه سخن به میان می‌آورند. برای آنان همان اندازه که اسباب مادی می‌تواند در ایجاد چیزی نقش و تاثیر داشته باشد به همان اندازه بلکه فراتر، اسباب‌های غیر مادی چون تقوا، دعا و مانند آن می‌تواند در مسائل مادی و زندگی دنیوی ایشان تاثیر به جا گذارد.

مفهوم غیب نسبت به خداوند کاربرد و جایگاهی ندارد؛ زیرا هیچ چیزی از او غایب نیست و همه ابعاد و عوالم هستی در محدوده علم شهودی و حضوری او قرار دارد.

عالم غیب از چنان جایگاه ارزشی و برتری نسبت به عالم شهادت برخوردار است که خداوند در آیاتی از جمله ۳۸ تا ۴۳ سوره حاقه به آن سوگند می‌خورد تا این‌گونه مردم نسبت به آن آگاهی یابند و بر حقانیت آن گواهی دهند و در زندگی خویش از تاثیر آن آگاه شده و بر اساس این فرمول، زندگی خود را تنظیم کنند.

با باور به اینکه در ملا اعلی فرشتگانی هستند که به اخبار زمین و زمینیان آگاه هستند و این اخبار در زندگی بشر تاثیر دارد و همچنین کسانی هستند که این اخبار را می‌دزدند، بی‌گمان رفتار ما در زندگی نسبت به امور و اسباب عادی تغییر می‌یابد. به این معنا که در حوادث طبیعی چون سیل و زلزله تنها به اسباب طبیعی مراجعه نمی‌کنیم بلکه به رفتارهای خویش نیز توجه می‌یابیم که در ایجاد این حوادث تاثیر دارد، یا نسبت به گناهانی که موجبات نزول بلا می‌شوند رفتاری درست در پیش می‌گیریم و آن گناهان را ترک می‌کنیم.

کسانی که گناهی را مرتکب می‌شوند، باید بدانند که خلاف سنت‌ها و قوانین الهی حاکم برهستی رفتار کرده اند؛ لذا باید منتظر پیامدهای زیانبار آن باشند. این بدان معناست که حرکت‌های گناهکاران، حرکت خلاف قوانین و سنت‌های حاکم بر هستی است و خواه و ناخواه آثار منفی و تبعات زیانبار دارد؛ از همین رو خدا در برخی از موارد به این نکته توجه می‌دهد و می‌فرماید: فساد در خشکی و دریا به سبب دستاوردهای انسانی ظاهر شده است.

گناه و آثار و عواقب آن

نرگس دوست محمدی

از آموزه‌های قرآن چنین بر می‌آید که گناه می‌تواند رفتارهای انسان را تحت تاثیر مستقیم و غیر مستقیم قرار دهد تا جایی که آسیب‌های جدی به ساحت رفتار اخلاقی و ملکات انسانی وارد سازد و انسان را از فضائل اخلاقی به سوی رذایل اخلاقی بکشاند.

گناه، در ساحت اقتصادی به جای رشد اقتصادی، موجب بی‌برکتی و از دست رفتن رشد می‌شود. قرآن بیان می‌کند که گناه موجب دفع روزی و قطع آن از سوی خدا می‌شود. تحقق این قطع روزی می‌تواند حتی در قالب بلایای طبیعی همچون خشکسالی و قحطی انجام شود.

چراغ راه

شاخص حکمرانی امام علی(ع)

قال الامام علی(ع): «ما خرجت الّا لاُعین مظلوماً او اغیث ملهوفاً».

«سعید ابن قیس همدانی» می‌گوید: «در روزی گرم و سوزان علی(ع) را در سایه دیواری دیدم، پرسیدم: چرا در چنین ساعتی از منزل بیرون آمده‌ای؟ حضرت در پاسخ فرمود: «بیرون نیامدم جز اینکه ستمدیده‌ای را کمک کنم یا به فریاد دادخواهی برسم.»[1]

۱- بحارالانوار، ج ۴۰، ص ۱۱۳

حکایت خوبان

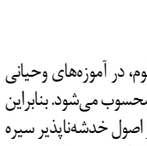

لزوم یاری کردن مظلوم

امام علی(ع) در نامه‌ای به یکی از مدیران عالی خود که بخشی از اموال مردم را به ناحق گرفته بود، می‌نویسد: «اموال مردم را به سوی آنان برگردان وگرنه اگر دستم به تو برسد با شمشیری گردنت را می‌زنم که هرکس با آن کشته شود، وارد دوزخ گردد! به خدا سوگند اگر حسن و حسین(علیهماالسلام) چنین کرده بودند با آنان سازش نمی‌کردم تا حق (مردم) را از آنان بازستانم.»[1] امام صادق(ع) از پدرش امام باقر(ع) نقل می‌فرماید که فرمود: «اگر پادشاه ستمگری بخواهد فردی را بی‌سبب کتک بزند یا بکشد یا به او ستم کند، شما اگر نمی‌توانید به ستمدیده‌ای یاری برسانید، نباید در آنجا حضور یابید. زیرا اگر مؤمن نزد مؤمن مظلومی باشد، واجب است او را کمک کند...»[2]

۱- نهج‌البلاغه، نامه ۴۱
۲- بحارالانوار، ج۷۵، ص۱۷

پرسش و پاسخ

پاداش یاری مظلومین

پرسش:
از منظر آموزه‌های وحیانی یاری رساندن به مظلومین چه پاداشی برای اصحاب آن به ارمغان می‌آورد؟

پاسخ:

ضرورت ظلم‌ستیزی

پیکار با ظلم و ظالمین و یاری رساندن به مظلوم، در آموزه‌های وحیانی اسلامی به حدی مهم است که ترک آن گناه کبیره محسوب می‌شود. بنابراین روحیه ظلم‌ستیزی در اسلام از دیدگاه عقل و شرع از اصول خدشه‌ناپذیر سیره عملی یک مسلمان و اخلاق اجتماعی است. امام علی(ع) این روحیه ظلم‌ستیزی را بهترین نوع عدالت توصیف می‌فرماید: «احسن العدل اعانه المظلوم» بهترین شکل عدالت، یاری کردن فرد ستمدیده است.(شرح غررالحکم، ج ۲، ص ۳۹۴) دلیل آن هم روشن است، زیرا ظلم و بیداد، آتش سوزانی است که اگر مهار نگردد، همه‌چیز را در کام خود فرو می‌برد، و همه ارزش‌های زندگی و حیات فردی و اجتماعی انسانی را به نیستی خواهد کشاند. بنابراین ظلم‌ستیزی در جامعه یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است که به یک بسیج همگانی نیازمند است. در مرحله نخست خود افراد تحت ستم و مظلومین و سپس دولت و مردم باید از وقوع و دوام ظلم و بیداد جلوگیری کنند و اجازه ندهند ظالمین بر تار و پود و سرنوشت آنها حاکم شوند. از این جهت امام صادق(ع) می‌فرماید: «العامل بالظلم والمعین له و الراضی به شرکاء فیه» ستم‌کننده و دستیار او و آن که به ظلم و بیداد راضی باشد، در آن ظلم سهیم‌اند.(بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۳۷۷)

ضرورت یاری همه‌جانبه مظلوم

یاری فرد ستمدیده و مظلوم منحصر به ضرر مالی و جانی نیست، بلکه هرگونه کمک به او را در ابعاد مختلف شامل می‌شود، و همه موظفند هرگونه ستمی را اعم از مادی و معنوی همچون ضرر مالی، آسیب جانی، استضعاف فکری و فرهنگی و آسیب عرضی و ناموسی را از فرد مظلوم دور سازند و اجازه ندهند انسان‌ها در هیچ یک از ابعاد یادشده ستمی ببینند. پیامبر اکرم(ص) درباره ظلم‌ستیزی فرهنگی می‌فرماید: «هرکس ضعیفی را در فهم و معرفتش کمک کند و به او یاد دهد که چگونه با دشمنان دینی که باطل‌گرا هستند بحث نماید، خداوند در سختی‌های جان دادن یاری‌اش می‌کند... و هر کس انسان مشغول به دین و دنیا را در کارش یاری رساند تا کارش آسان شود، خداوند مزاحمت‌های شغلی او را مرتفع سازد.»(همان، ج ۷۵، ص ۲۱)

پاداش یاری مظلوم

مبارزه با ظلم و یاری رساندن به مظلوم خود ارزشی والا است که باید بدون هیچ چشمداشتی برای اجرای فرمان الهی مغتنم شمرده شود که فرمود: «لا تظلمون و لاتظلمون» ستم نکنید و زیر بار ستم هم نروید.(بقره- ۲۷۹) اما در عین حال خدای متعال آثار ارزشمندی را نیز در دو سرای دنیا و آخرت برای این کردار شایسته قرار داده است که در اینجا به اهم آنها می‌پردازیم:

۱- زدودن گناهان

امام علی(ع) می‌فرماید: فریادرسی مظلوم و رهاسازی فرد گرفتار، از اسباب پوشاننده گناهان بزرگ است. (بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۲)

۲- عنایت خاص الهی

امام صادق(ع) می‌فرماید: خداوند عزوجل در روز قیامت به چهار نفر نظر لطف می‌اندازد: اول آنها کسی است که انسان پشیمانی را عفو کند یا به فریاد بیچاره‌ای برسد... (همان، ص ۱۹)

۳- استواری قدم در آخرت

پیامبر اکرم(ص) فرمود: «خداوند به حضرت داود(ع) می‌فرماید: هیچ بنده‌ای نیست که ستمدیده‌ای را یاری رساند، یا در رفع ستم از او گام بردارد، جز اینکه گام‌هایش را در روزی که قدم‌ها بلغزد استوار دارم»(میزان‌الحکمه، ج۵، ص ۶۱۵)

۴- پاداش فراوان

پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: هر کس مومنی را کمک کند تا از غم و اندوه و گرفتاری نجات یابد، خداوند ده حسنه برایش می‌نویسد، ده درجه بر درجاتش می‌افزاید، ثواب آزادی ده بنده به او عطا می‌کند، ده بدی را از او دور می‌گرداند، و روز قیامت شفاعت ده نفر را به او می‌سپارد.»(بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۲۰)

۵- ورود به بهشت

امام صادق(ع) می‌فرماید: «هرکس می‌خواهد خداوند بزرگ او را در باب رحمت خود وارد سازد و در بهشتش جای دهد باید ضعیف را یاری رساند.»(همان، ج ۶۸، ص ۱۹)

مجازات یاری نکردن مظلوم

یاری نرساندن به مظلوم از گناهان کبیره است و کیفر گناه کبیره در صورت عدم توبه دوزخ خواهد بود. علاوه بر این در سخنان ائمه معصومین(ع) عقوبت‌های شدیدی برای ترک نصرت مظلوم پیش‌بینی شده است که به سه مورد اهم آن اشاره می‌کنیم:

۱- بیچارگی در دنیا و آخرت

امام صادق(ع) می‌فرماید: هر مؤمنی که با داشتن توانایی برادر مؤمنش را یاری نکند،خداوند او را در دنیا و آخرت خوار خواهد کرد» (همان، ج ۶۸، ص۱۷)

۲- نزول بلا

امام سجاد (ع) می‌فرماید: «از گناهانی که سبب نزول بلا می‌شود، ترک فریادرسی به مظلوم و یاری به ستمدیده است.» (همان، ج ۷۳، ص ۳۷۵)

۳- عذاب برزخی

امام صادق(ع) می‌فرماید: «ملائک) به مرد نیکوکاری که مرده بود تازیانه‌ای زدند که در اثر آن گورش مالامال آتش شد، و به او گفتند: این کیفر آن است که یک نماز بی وضو خواندی و به ضعیفی گذر کردی و او را یاری نرساندی!» (همان، ج ۷۵، ص ۱۸)

سلوک عارفانه

لزوم جهاد دفاعی در برابر مظلومیت فلسطین

همین وضعی که الان بالفعل اسرائیل به وجود آورده که سرزمین مسلمین را اشغال کرده است. در اینجا بر مسلمین اعم از زن و مرد، آزاد و غیرآزاد، و دور و نزدیک واجب است که در این جهاد که اسمش دفاع است شرکت کنند، و هیچ موقوف به اذن امام (معصوم) نیست.»[1]

۱- سیری در سیره ائمه اطهار(ع)، شهید مرتضی مطهری(ره)، ص۵۹

آثار عقوبت‌های دنیوی خدا

اشخاص و گروه‌ها و امت‌هایی که بر خلاف سنت‌ها و قوانین الهی حاکم بر هستی رفتار می‌کنند و به‌ویژه علیه قوانین تشریعی پیامبران اقدام می‌کنند، به عنوان گناهکار، عاصی، مجرم، خاطی و مانند آنها شناخته می‌شوند.

گناه خواه کوچک و خواه بزرگ دارای عقوبت‌های دنیوی و اخروی است. البته هر چه گناه بزرگ‌تر و به تعبیر قرآن، «کبیره» باشد، به سبب آثار آن، عقوبت آن نیز سنگین‌تر خواهد بود. در قرآن، از واژگانی چون «حوب، ذنب، جرم، اثم، سیئه، عصی، طغی، وزر، خطا، فاحشه، حنث، اقتراف، فجور، منکر، کبیره، صغیره، لمم» و مانند آنها برای بیان گناه و شدت و ضعف و تاثیر و آثار آن استفاده شده است.

کسانی که گناهی را مرتکب می‌شوند، باید بدانند که خلاف سنت‌ها و قوانین الهی حاکم بر هستی رفتار کرده اند؛ لذا باید منتظر پیامدهای زیانبار آن باشند. این بدان معناست که حرکت‌های گناهکاران حرکت خلاف قوانین و سنت‌های حاکم بر هستی است و خواه و ناخواه آثار منفی و تبعات زیانبار دارد؛ از همین رو خدا در برخی از موارد به این نکته توجه می‌دهد و می‌فرماید: فساد در خشکی و دریا به سبب دستاوردهای انسانی ظاهر شده است.(روم، آیه ۴۱)

پس گناه به عنوان امر فسادانگیز می‌تواند تاثیراتی در محیط زیست انسانی به جا گذارد که به ضرر آدمی است. البته قرآن در ادامه این آیه می‌فرماید: تا به آنان جزای بعضی از کارهایشان را بچشاند؛ باشد که از گناه و طغیان بازگردند. این بدان معناست که خدا بر مردم رحم می‌کند و تنها برخی از آثار فساد را در زندگی آنان نشان می‌دهد؛ زیرا اگر همه آثار، مترتب شود، دیگر جایی برای زیست بشر نمی‌ماند.

این مطلب گواه این است که قوانین الهی، حاکم بر خود او نیست، بلکه با آنکه قوانین الهی جاری و ساری بر هستی است، اما خدا می‌تواند تاثیرات آن را بکاهد یا بیفزاید؛ زیرا خدا بر هستی و قوانین آن، حاکم است، نه آنکه قالب اصلی، اول مجازات قانونی همچون حدود و تعزیرات و دوم مجازات بلایی به نمایش گذاشته شود. همچنین آثار دنیوی گناه شامل ابعاد اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، روانی، روحی، اخلاقی و مانند آنها می‌شود. در این‌جا به برخی از مهم‌ترین آنها در دو ساحت کلی اقتصادی و اخلاقی و روانی از منظر قرآن اشاره می‌شود.

۱. آسیب‌های اقتصادی: ارتکاب گناه، آسیب‌های اقتصادی را موجب می‌شود؛ چنان‌که تقوای الهی و حتی استغفار و توبه پس از گناه می‌تواند در بازسازی امر فساد و اصلاح کمک کند و وضعیت اقتصادی را بهبود بخشد.(هود، آیه ۵۲؛ نوح، آیات ۱۰ تا ۱۲) گناه در ساحت اقتصادی به جای رشد اقتصادی، موجب بی‌برکتی و از دست رفتن رشد می‌شود.(بقره، آیه ۲۷۶) قرآن بیان می‌کند که گناه موجب دفع روزی و قطع آن از سوی خدا می‌شود.(قلم، آیات ۱۷ تا ۳۳؛ تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۳۹۵، حدیث ۴۷) باید توجه داشت که تحقق این قطع روزی می‌تواند حتی در قالب بلایای طبیعی همچون خشکسالی و قحطی انجام شود. (هود، آیه ۵۲؛ شوری، آیات ۲۸ و ۳۰؛ نوح، آیات ۱۰ تا ۱۲)

بر اساس آموزه‌های قرآن، گناه در ساحت رفتار اقتصادی تغییراتی را موجب می‌شود که از جمله آنها تبذیر و اسراف اقتصادی در کنار اسراف در رفتارهای اخلاقی و جنسی و مانند آنها است.(آل عمران، آیات ۱۴۶ و ۱۴۷) همچنین سلب نعمت و تبدیل آن به نقمت(انعام، آیات ۶ و ۱۴۶؛ اعراف، آیات ۵۲ و ۵۳)، فقر و تنگدستی(بقره، آیه ۶۱)، محرومیت از رفاه و آسایش(بقره، آیات ۵۸ و ۵۹)، ویرانی شهرها و آبادی‌ها(اسراء، آیه ۱۶؛ قصص، آیه ۵۸) و مانند آنها از دیگر آثار اقتصادی گناه در زندگی انسان در دنیا است.

۲. آسیب‌های روحی و روانی و اخلاقی: هر گناهی آسیب روحی و روانی به شخص گناهکار وارد می‌کند. از پیامدهای روانی و روحی گناه نسبت به گناهکار، استحقاق اهانت نسبت به گناهکار است(انعام، آیات ۱۲۳ و ۱۲۴؛ الرحمن، آیه ۲۱؛ مدثر، آیات ۴۱ و ۵۰) همچنین گناه موجب می‌شود تا قلب انسان کارکردهای اصلی خویش در ساحت شناخت حق از باطل و گرایش به حق وگریزش از باطل را از دست بدهد، به طوری که قلب منحرف دچار واژگونگی شناختی و گرایشی می‌شود و این‌گونه از ساحت انسانیت به ساحت حیوانیت و پست‌تر از آن سقوط می‌کند. (تحریم، آیه ۲؛ اعراف، آیه ۱۷۹؛ بقره، آیات ۷ تا ۱۵) البته از نظر قرآن، از مهم‌ترین آثار زیانبار روحی و روانی گناه که موجب تغییر رفتار و کارکردهای قلب می‌شود، می‌توان به تکبر و استکبار(اعراف، آیه ۱۳۳؛ یونس، آیه ۷۵؛ جاثیه، آیات ۷ و ۸ و ۳۱)، تمسخر آیات الهی(توبه، آیات ۶۵ و ۶۶)، استهزای پیامبران(همان؛ حجر، آیات ۱۱ و ۱۲)، استهزای مؤمنان(مطففین، آیات ۲۹ تا ۳۲) و مانند آنها اشاره کرد.

از آموزه‌های قرآن چنین بر می‌آید که گناه می‌تواند رفتارهای انسان را تحت تاثیر مستقیم و غیر مستقیم قرار دهد تا جایی که آسیب‌های جدی به ساحت رفتار اخلاقی و ملکات انسانی وارد سازد و انسان را از فضائل اخلاقی به سوی رذایل اخلاقی بکشاند. از جمله آنها می‌توان به اسراف در امور اعتقادی و جنسی و اقتصادی و غیر آن(آل عمران، آیات ۱۴۶ و ۱۴۷)، تمسخر مؤمنان و پیامبران(توبه، آیات ۶۵ و ۶۶؛ مطففین، آیات ۲۹ تا ۳۲)، استکبار در رفتار اجتماعی با دیگران و برتری طلبی(اعراف، آیه ۱۳۳)، افترا به دیگران(یونس، آیات ۷۵ و ۷۶)، آشکار شدن زشتی‌ها (اعراف، آیات ۱۹ و ۲۲؛ طه، آیه ۱۲۱)، بی‌آبرویی و از دست رفتن حرمت‌ها (اعراف، آیات ۱۹ تا ۲۷)، تباهی نفس و سقوط آدمی(شمس، آیات ۷ تا ۱۰)، از دست رفتن بینش صحیح و ارزیابی غلط از راه رشد و هدایت(مطففین، آیات ۲۹ و ۳۲)، بی‌حیایی و اقدام به اعمال زشت و هنجارشکنانه(اعراف، آیات ۸۰ و ۸۱؛ هود، آیات ۷۷ و ۷۸؛ نمل، آیه ۵۴)، تحیر (مائده، آیات ۲۱ تا ۲۶؛ حجر، آیات ۵۸ و ۷۲)، تعصب و لجاجت(بقره، آیه ۲۰۶)، ترور شخصیت افراد با اتهام زنی به آنان(یونس، آیات ۷۵ و ۷۶)، حق‌ستیزی(انعام، آیات ۵ و ۶؛ انفال، آیه ۸)، حق‌ناپذیری(شعراء، آیات ۱۹۸ تا ۲۰۱)، ذلت و خواری(بقره، آیه ۶۱)، سقوط در ورطه سفاهت و بی‌خردی(یوسف، آیات ۳۲ و ۳۳)، سقوط در تاریکی (یونس، آیه ۲۷)، ناتوانی و از دست رفتن توانایی‌ها(هود، آیه ۵۲؛ نوح، آیات ۱۰ تا ۱۲)، قساوت قلب(حدید، آیه ۱۶؛ توبه، آیات ۸۷ و ۹۳)، کفران نعمت (بقره، آیه ۲۷۶)، عدم رشد(حجرات، آیه ۷)، مسخ و خروج از انسانیت(بقره، آیه ۶۵؛ مائده، آیات ۶۰ و ۷۸؛ اعراف، آیات ۱۶۳ و ۱۶۶)، نفوذ شیطان و القای وسوسه‌ها (آل عمران، آیه ۱۵۵)، نومیدی(زمر، آیه ۵۳) و مانند آنها اشاره کرد.